

بسم الله الرحمن الرحيم بنام آنکه جان را فکرت آموخت

چنانکه بیگرگرافی اینجانب سید محمد فاطمی در کتابهای آیت کبری و فرمان آفرینش و الفرقان ثبت شده
حاکمی است من نزدیک چهل سال در دانشگاه طهران تدریس و ضمناً چند سال هم در دانشگاههای خارج، در رشته فیزیک
تحصیل و تحقیق کرده ام و اکنون پیش از پست سال است که باز نشسته ام. نکته مهمی که در دوران باز نشسته گیم بر ایم روشن و مسلم شده
اینست که ادویا نخستین فرقه ای شیعه و سنی و بالتبع پیران آنها، در درک کتاب خدا و احکام اسلام دچار اشتباه بزرگی شده و بمصداق
«و ما تقرءوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغیاً بعینهم...» (الشوری ۱۴۶) یعنی و کج اندیشی تعصب آمیز، بی اعتناء به قرآن، مطالب
نادستی را از قول این و آن، بدون اینکه مأخذ و منابع صحیحی داشته باشد، به دین مبین اسلام افزوده و آنرا بخشی از سنت نبوی
الهی و تنزیل غریب قلمداد کرده اند. اکنون در واقع کلام خدا که می فرماید: «وقال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» (۳۱)
سوره الفرقان «اشکرا تحقیق پیدا کرده، و علی رغم اجلال و تکریم ظاهری رسوم و عاداتی قرآن، آن کتاب مجید را که تنها مرجع مطهر و مسند آسمانی
متین دین است، ظالمانه در گوشه عزلت و مجروری رها کرده و از اقوال پریشان در روایات اشعه و احیاناً مجول معجزات پیروی میکنند.
این انحراف و اعراض مسلمین از قرآن، و بخصوص اختلاف ^{بسیار} ^{ساخته} که در باره بعضی احکام و مسائل اصولی و پیروی علی العباد آنها از
روایات بی پایه خود که اکثر گونینه و در او این آنها نیز اصل و اعتباری نداشته اند، امری است که برای تبیین برخی از مضامین مورد تکیه قرآن
در دشمن شدن واقعیات و موازین حق کتاب خدا و آئین یکپارچه و جاودانی اسلام به روشنی کتابهای نامبرده اقدام کنم.

- ۱- کتاب آیت کبری منحصراً شرح چگونگی کشف دارالیک معجزه عددی مسلم و جدائی ناپذیر از قرآن، یعنی بر وجود مطهر
فواتح سوره است که بسبب قابل درک بوده و بدلیل شواهد ریاضی و محاسبات ساده، قطعیت اعجاز آن محرز و غیر قابل مناقشه است.
- ۲- کتاب فرمان آفرینش یک استقراء تام بر اساس قرآن و دانش امروزی بوده و شامل حقایق بنیادی از خلقت و حکمت
الهی است که نادستی عقاید یونان و بتذلل تفاسیر مبتذل امبرهونی سازد. در آن، نقش مؤثر احتمال (Probabilité)
طبی در تحقق فرمان و کنه آفریدگار در آفرینش انسان و سایر مخلوقات که بصراحت در قرآن کریم آمده، و تاکنون از دید درک
تمام پیشوایان دینی و فلاسف گذرشته و معاصر به دور مانده است، با بیانی روشن، برای نخستین بار در جهان اعلام می شود.
- پیشینیان در تأویل و تعبیر کلام الهی مرتکب خطا و اشتباهات فاحشی گشته اند که در مقدمه این کتاب هم بعنوان نمونه برخی
از آنها اشاره شده است. راویان و مفسران متعصب مذاهب مختلف، با تقوّل بعضی اقوال بی پایه، داستانها و سخنان اشتباهی
را در متون گذشته بنام تفسیر از خود به یادگار گذاشته اند که در شأن قرآن کریم نیست. آنان با اقتضای دانش عصر خویش، هر جا که
از فهم آیه ای فرومانده اند، با حذف و تعدیر و جمله های ناموزون و استنباط نادرست، برای اینکه حرف خود را بگریزاند،
با گستاخی به تحریف معانی واضح لغات پرداخته و گفته اند منظور خداوند از آیه که برید چنین و چنان بوده است، در حالی که در قرآن
هر کلمه با فصاحت و بلاغت تمام به معنی واقعی در روشن خود به کار رفته، و مراد خداوند قطعاً لغز و معما ساختن از الفاظ نبوده است.
مفسران پندار و تحلیلات عمده کهن را بعنوان تنها تفسیر قطعی برای آیات مربوط به خلقت آدم ذکر کرده، و

این صنغ شگرف خداوند و شاهکار آفرینش او را بصورت افسانه‌ای مضحک بیان داشته اند که در برابر معیار عقل و بهره‌ای که از دانش الهی نصیب انسان امروز گشته است، قصوری سخیف و کاذب است. کتاب فرمان آفرینش با کلام آیات حکم و بیانی غیر قابل انکار، مبرهن و آشکار می‌سازد که هیچ‌گاه خداوند موجود «منحصر به فردی» را بنام ابوالبشر، با خصوصیات اسطوره‌ای تقاسیر خلق نفرموده است که نافرمان، ستمکار، گمراه و بی‌عزم در آید. اصولاً چنین چیزی امکان پذیر نیست که نعوذ بالله خالق عظیم و خیر، خطای فاحش مرتکب گشته و سپس تنها مخلوق ناقص و معیوبی را که خود خلق کرده و به وجود آورده است، بعلت اشتباه خویش در خلقت وی، او را مورد ملامت قرار داده و مجازات نماید. (صفحات ۶۵ تا ۷۰ فرمان آفرینش)

پیشوایان و مفسران ناآگاه، در این مورد و درباره آیاتی مانند: «و ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة...» و «جعلنا من بین الیدین سداً و من خلفهم سداً فاغشیناهم فهم لا یبصرون» و «سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذهم لا یؤمنون» و «ولقد ذرنا للجحیم کثیراً من الجن و الانس لام یقربوا» و «لا یعلمون بها و لام اذان...» و تناقض ظاهری حاصل از آنها، که از دید زبان، در اثر عقیده نادرست مشهور و متداول خلقت انسان پیش آمده، چیزی جز زبان بازی و لفاظی اراسته ندادند. (۱۷۰ تا ۱۷۴ فرمان آفرینش)

آنهاگونه که در این کتاب روشنگر تفصیل آمده، برخی از آیات کریمه و مخصوص آیه شریفه «انزل من السماء ماءً فسالت اودية بقدرها فاحتمل السیل زبداً رابياً...» کذا اللک یضرب الله الحق و الباطل... (۱۷۰ الرعد) با تصریح نقش احتمال در طبیعت، چرا که کسی تا قضا و راه گشای تفسیر واقعی آیات مذکور و نظائر آنهاست که با باور داشتن افسانه موهوم «تندیس گلین آدم ابوالبشر» و چهری کامل از اخلال باطل نمی‌احتمالی فراوان ناخواسته در تحقق فرمانین حق آفریدگار، تاکنون در پرده ابهام و بی‌جواب بوده است. (۱۴۵ تا ۱۵۲ فرمان آفرینش. کذا اللک یضرب الله الحق و الباطل)

حوادث احتمالی و امور باطل، انقضایی نمی‌تواند و تولیدات آن‌هاش نبود است. از اینرو اگر در ابتدا، طبق عقیده رایج و پیرین ابوالبشری منفرد و یگانه، از یک ماده یک نواخت «صلصال کالفخار» آفریده شده بود می‌بایست تمام پیکر او در عنصری از آن، دقیقاً همان‌طور باشد که خدا خواسته بود. دیگر احتمال را در آن راهی نبود و بالتسویه باطل هم پدید می‌آمد، و امکان نداشت آن مخلوق یکتا، نافرمان، ستمکار، گمراه و فراموشگر بی‌عزم باشد، تا خداوند بفرماید: «... ففنی و لم یجبل له عزماً» (۱۱۵ طه) (۶۶ فرمان آفرینش)

۳- کتاب الفرقان تماماً با ستاد نص متین تنزیل عزیز، مبین و روشنگر اصول راستین و مفاهیم و کلماتی از قرآن است که در اثر جهالت و اشتباه متولیان و مفسران نخستین دچار دگرگونی اسف بار معنی و تفسیر گردیده است.

ذیلاً به چند مورد از آنها بعنوان نمونه اشاره می شود:

« احادیث سردرگم و روایات اشعثه را که تماماً با مستند گفته ها و شنیده های نسلها و اقوال پریشان راویان مخالف، آمیخته با حسیت جاهلیت و تعصب فرقه های گوناگون سرهم بندی شده - چه مجبول و ساختگی و چه موثق و معتبر - با بودن نص محفوظ کتاب خدا، نمی شود جنبای احکام دین و ملاک قضاوت قرار داد. تنها سند آسمانی مطمئن، همانا قرآن کریم است و بس. (صفحه ۱۱ تا ۱۴ الفرقان) »

« دین زور بردار نیست و عقیده رانی شود با فشار و اکراه در قلب یکی جای داد. (وقل الحق من دیکر من شاء و فلیؤمن من شاء فلیکفر) و بگم «لا اکراه فی الدین» نباید اجباراً دین بر مردم تحمیل نموده و با دست آویز ساختن آن حکومت و فرمانروائی کوچه (صفحه ۳۷ تا ۴۰ الفرقان) »

« توصیه قرآن برای اداره امور با داشتن امر هم شورعی بنیام روشی کاملاً دموکراتیک است. (۴۹ و ۵۰ الفرقان) پیامبر هم درباره تعیین جانشین برای اداره جامعه نوپای اسلامی - چنانگونی بایست - همین راه را انتخاب کرد (بحث خلافت - صفحات ۴۹ تا ۵۲ الفرقان) »

« در آئین حقیقی اسلام که متبن بر قرآن است، حجاب بصورت خفگان آورد و متحک فعلی که از دیرباز مرسوم گشته نیامده است. مفسران و مفسیان، دستور قرآن در مورد اجتناب از ابراز زینت و اظهار به آن را، بباطل و برخلاف نص، به پرستشهای زائد عجیب و زحمت افزا تفسیر کرده و قرنهای بنده گان بی دفاع خدا را، این چنین گرفتار رنج و تعب بجا ساخته اند. (صفحه ۹۲ تا ۱۰۰ الفرقان) »

« اساس ادیان الهی یکی است و مسلمان و یهودی و مسیحی و هر خده ایست دیگر که عمل صالح انجام داده و به رستخیز اعتقاد داشته باشد، بهگی یکسان مشمول رحمت الهی بوده و بیم و اندوهش برای شان نخواهد بود. این خویشی با و اختلافهای مداوم که بین فرقه های گوناگون، بنام ادیان و مذاهب همیشه در دنیا جریان داشته خلاف قرآن و مطرود است. پیروایان اولیه نا آگاه و مفسیان و متمولان کور دل و متعصب بعدی، مسئول این محاصرات جنگ و ستیز پجادی شر هستند. (۶۴ و ۶۹ مائده صفحه ۱۵ الفرقان) »

« در قرآن حتی برای اشد فحشاء و انحرافات جنسی مجازات مرگ نیست. و هیچ کس در هیچ مورد حق افزایش یا کاهش تکریر و تنبیه زاید بر کتاب خدا را ندارد! (۸۶ تا ۹۱ الفرقان) »

سید گرامن بخشی و یحییها الاستغی